

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۱)، بهار ۱۳۹۹، صص ۷۹-۱۱۴

مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع و دژهای دفاعی کوره آرجان از صدر اسلام تا پایان سلجوقی

حسین سپیدنامه؛* احمد صالحی کاخکی؛** هاشم حسینی؛***
ابراهیم رایگانی****

چکیده

جایگاه استراتژیک کوره آرجان در جنوب غربی ایران طی دوره ساسانی تا پایان سلجوقی، منجر به شکل‌گیری قلاع زیادی در این منطقه گردید. بررسی قلعه‌های تاریخی کوره آرجان به منظور شناخت جایگاه و کارکرد آن‌ها در جغرافیای سیاسی - اداری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پراکنش، پی بردن به موقعیت معابر و پهنه‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک منطقه، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. پژوهش پیش‌رو بر این فرض استوار است که با توجه به موقعیت جغرافیایی کوره آرجان و ارتباط آن با بنادر ساحلی خلیج فارس و مراکز حکومتی فارس و اصفهان، این منطقه از نظام منسجمی از قلاع و دژهای دفاعی، برخوردار بوده است. نتایج این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی، بررسی میدانی باستان‌شناختی و روش توصیفی - تحلیلی حاصل شده است. تحلیل موقعیتی پراکنش قلاع نشان می‌دهد به ترتیب، تنگه‌های ارتباطی، گردکوه‌های طبیعی، دره‌های کوهستانی و تپه ماهورهای منطقه، در موقعیت‌گزینی آن‌ها تأثیر بسزایی داشته است. کارکرد چندگانه استحکامات این کوره در ابعاد مختلفی چون حفاظت از منابع زیستی، سازه‌های

* دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. h_sapid@yahoo.com

** نویسنده مسئول: دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

salehi.k.a@aui.ac.ir

*** دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. h.hoseini@aui.ac.ir

**** استادیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

Raigani.khalefe@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

مرتبط با کشاورزی، حفاظت از مراکز جمعیتی و راه‌های ارتباطی بوده است. بررسی و مطالعه این قلاع در جهت تبیین مسائل مهمی چون شناخت شبکه قلاع اسماعیلی این کوره، اهمیت زیادی دارد.

کلیدواژه‌ها: کوره آرجان، کوهگیلویه، جغرافیای اداری، استحکامات، اسماعیلیان.

مقدمه

قلعه‌ها و استحکامات نظامی، بیان مستقیم و روشن قدرت و از مهم‌ترین شواهد مادی برای شناخت حاکمیت اداری - سیاسی هستند. این دسته استحکامات، به جهات مختلفی چون نقش در ارتباط با وقایع سیاسی، حراست از حاکمیت سرزمینی (دفاع) و کسب فضای سرزمینی (جنگ) یک منطقه، سیستم دفاعی نواحی و مراکز جمعیتی چون رستاق‌ها و شهرها، راه‌های ارتباطی و جایگاه حکومت‌ها و دولت‌ها در تأمین امنیت مراکز سیاسی - اداری و رونق اقتصادی، دارای اهمیت مطالعاتی هستند. آرجان با وسعتی بالغ بر پانزده هزار کیلومتر مربع، یکی از پنج کوره ایالت فارس، حاصل تقسیمات سیاسی - اداری دوره ساسانی از زمان قباد اول در جنوب غربی ایران است که تا اواخر دوره سلجوقی به مرکزیت شهری به همین نام «آرجان» در دهانه تنگ تکاب، اداره می‌شد. گستره جغرافیایی کوره آرجان از دوره ساسانی تا قرن ششم هجری، از شمال به ایالت اصفهان، از جنوب به اردشیرخوره و خلیج فارس، از غرب به رامهرمز و از شرق به بخش‌هایی از ایالت اصفهان، استخر و شاپور محدود می‌گردید (رایگانی، ۱۳۹۴؛ ۶۶؛ نقشه ۱). قرارگیری این کوره در میان مناطق یاد شده که هرکدام از جایگاه سیاسی و اقتصادی مهمی در ادوار قبل و بعد از اسلام برخوردار بودند، سبب گردید تا راه‌های ارتباطی متعددی از این منطقه عبور کند. این موقعیت جغرافیایی در کنار اقتصاد پُرونق متأثر از کشاورزی دشت‌های آن، تجارت حاصل از تولیدات اقتصادی و شبکه‌های تجاری، و همچنین توان نظامی و تولیدات اقتصادی ناحیه کوهستانی شرق آن، یعنی کوه گیلویه، منجر به جایگاه ژئوپولیتیک مهمی برای این منطقه شده بود. در حقیقت، قلاع تاریخی به عنوان شواهد باستان‌شناختی، گویای جایگاه ژئوپولیتیک تاریخی این کوره طی حیات آن در ادوار مورد مطالعه است. اشارات اندک منابع تاریخی به استحکامات این کوره و عدم وجود مدارک مکتوب هم‌عصر با بسیاری از آن‌ها، در کنار تحولات سیاسی - اجتماعی مرتبط با شکل‌گیری قلاع و دژهای دفاعی این پهنه جغرافیایی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد، از جمله

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، میدانی و اسنادی است و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی. با توجه به گستره وسیع کوره ارجان، پیش از انجام بررسی میدانی قلاع و دژهای این کوره، جغرافیای طبیعی و زمین‌ریخت‌شناسی منطقه به‌خصوص موقعیت‌های استراتژیک، مانند تنگه‌ها و دره‌های ارتباطی، رودها و کوه‌ها با استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، مانند نقشه‌های ارتفاعی و منحنی میزان حاصل از نرم‌افزارهای جی آی اس، گلوبال مپر و گوگل ارث، مورد مطالعه قرار گرفت؛ سپس، با مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی، طی مراحل مختلف، در بازه زمانی سال‌های ۹۸-۹۷، مستندنگاری و عکاسی آثار این منطقه، با پیمایش شهرستان‌های مختلف در پهنه جغرافیایی این کوره در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و بوشهر، انجام گرفت. لازم به ذکر است که پیش‌تر براساس مطالعات کتابخانه‌ای، تاریخ و تحولات سیاسی، مراکز جمعیتی چون شهرها، راه‌ها و مرزهای این کوره، مورد شناسایی قرار گرفته و مشخص شده بودند (سپیدنامه، ۱۳۹۰؛ گاوبه، ۱۳۵۹).

عوامل مؤثر بر پراکنش قلاع و دژهای کوره ارجان

عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری استحکامات ناحیه مورد مطالعه به دو دسته عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم می‌شوند:

۱) عوامل طبیعی

جغرافیای طبیعی کوره^۱ ارجان براساس ناهمواری‌هایی مانند کوه‌ها، تنگه‌ها و دره‌ها و همچنین پوشش گیاهی و جنگلی، از سه فضای تقریباً همگن و متجانس پست هموار، تپه‌ماهوری و کوهستانی تشکیل شده است. این همگنی بر آمایش جمعیت و جنبه‌های دیگر وابسته به حیات گروه‌های جمعیتی انسانی و بالطبع، مسائل سیاسی - اداری، اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که نیمه غربی آن را بیشتر کشاورز و

۱. کوره معرب خوره در زبان پهلوی ساسانی، پس از بلاد دومین و بزرگ‌ترین واحد در تقسیمات جغرافیایی - اداری سرزمین‌های اسلامی تا سده هفتم هـ. ق. به شمار می‌آمد که امروزه می‌توان کمابیش آن را با واحد استان در تقسیمات امروزی کشور قابل مقایسه دانست (امینی کاشانی و رودگر، ۱۳۹۳: ۵۸).

تاجر، و نیمه شرقی را طوایف و قبایل کوچ‌رو تشکیل می‌داده است. تداوم مرکزیت سیاسی آرجان از دوره ساسانی تا پایان دوره سلجوقی و سپس، شهر بهبهان در پنج کیلومتری آن که فاصله چندانی با این شهر ندارد و ادغام واحدهای سیاسی ناحیه باستانی در واحدهای سیاسی متأخر این منطقه، امکان بازشناسی واحدهای سیاسی متقدم را از سده‌های نخستین اسلامی تا پایان سلجوقی، برای ما میسر کرده است؛ در واقع، رهیافت جبرباوری زیست‌بوم‌شناختی (دارک، ۱۳۷۹: ۱۲۸-۱۲۷)، برای شناخت جغرافیای اداری کوره آرجان و به‌خصوص، بخش شمالی آن (کوه‌گیلویه) که در دوره اسلامی دارای ساختار قبیله‌ای با شیوه معیشتی غالب دامپروری، به صورت جامعه‌ای خان‌سالار تا اواخر دوره پهلوی اداره می‌شد، مفید خواهد بود. حتی برخی از پدیده‌های مادی این مناطق مانند سفال منقوش شبه پیش‌ازتاریخ (سپیدنامه، ۱۳۹۷: ۱۵۰) و مسیرهای ارتباطی آن، در طی دوره اسلامی، کمتر دچار تغییر و تحول شده و راه تداوم را تا اواخر دوره زندیه پیموده است. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار طبیعی بر شکل‌گیری ساختارهای دفاعی چون قلاع و دژهای دفاعی کوره آرجان (تصویر ۱)، عبارت‌اند از: ۱) نخست اینکه رودهای مارون و خرسان در شمال این کوره، و رودهای پرین و زهره در شرق آن، در شکل‌گیری مرز آن با کوره‌های همجوار تأثیر زیادی داشته است. حتی رود خیرآباد که در متون جغرافیایی با نام رودخانه شیرین از آن یاد شده (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۶۲/۱)، در شناسایی و شکل‌گیری مرز رستاق‌های این کوره اهمیت زیادی داشته است؛ به‌طوری‌که در ضلع شمالی این رود، رستاق بلادشاپور؛ در ضلع شرقی آن، رستاق باشت و ملغان؛ در ضلع غربی، با ناحیه مرکزی آرجان؛ و در بخش‌های جنوبی‌تر آن، رستاق ریشهر قرار گرفته است؛ ۲) رودها، به‌تنهایی عامل تشکیل‌دهنده مرز نبودند، بلکه وجود رشته‌کوه‌های بلند دنا در شمال که دارای جهت شمال غربی - جنوب شرقی است، تعیین‌کننده مرز ناحیه شمالی کوره با اصفهان است. در بخش مرکزی این کوره نیز کوه خاییز عامل جداکننده ناحیه پست جلگه‌ای از بخش کوهستانی آن در رستاق بلادشاپور بوده است. مطالعه و شناخت دقیق این کوه‌ها، از آن‌رو اهمیت دارد که اکثریت قلعه‌ها و استحکامات دوره زمانی ساسانی و سده‌های نخستین و میانه اسلامی بر فراز این کوه‌ها واقع شده است و جایگاه ژئوپولیتیکی منطقه مورد بحث، مرهون وجود این کوه‌هاست. بی‌دلیل نیست که برخی پژوهشگران، کهگیلویه را در بین یک سلسله از کوه‌ها، به صورت قلعه‌ای بزرگ دانسته‌اند (دومورینی، ۱۳۹۰: ۴۸)؛ ۳) تنگه‌ها و گذرگاه‌های طبیعی نیز موقعیت‌های

۲) عوامل انسانی

قلعه‌ها و استحکامات نظامی از مهم‌ترین شواهد بُعد دفاعی حضور انسان، در ارتباط با شکل‌گیری مناظر فرهنگی مرتبط با دفاع و جنگ، از زمان شکل‌گیری شهرها و تشکیل دولت طی هزاره سوم ق.م. (سورتیجی، ۱۳۸۲: ۱۷؛ پازوکی، ۱۳۷۶: ۵۴) و اعصار پس‌از آن است که از دوران ساسانی به بعد، همانند قلعه دختر فیروزآباد (Huff, 1973: 33)، نقش پررنگ‌تری در عرصه تحولات سیاسی ایران ایفا می‌کنند. نگاهی گذرا به موقعیت جغرافیایی کوره ارجان و تحولات سیاسی - نظامی آن از دوره ساسانی تا فروپاشی در اواخر دوره سلجوقی، نشان می‌دهد که این منطقه از جایگاه ژئوپولیتیکی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. براساس منابع تاریخی و جغرافیایی متعدد دوره اسلامی، شکل‌گیری کوره و شهر ارجان در ایالت پارس، با کوچاندن اسرای رومی به این ناحیه در مرز فارس و خوزستان، به دوره سوم حکومت قباد اول ساسانی (۵۳۱-۴۸۸ م.) برمی‌گردد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۳/۲؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۶۴: ۵۵). بدون شک، شکل‌گیری و توسعه این کوره با رستاق‌ها و شهرهای مهم آن، نیاز به مدیریت اداری مرکزی داشته است که سهم قلاع در شناخت این جایگاه، به‌خصوص در زمینه مدیریت اداری و اقتصادی کوره، همچون راه‌های ارتباطی، با بازشناسی و مطالعه ساختارها و استحکامات نظامی مرتبط با آن، امکان‌پذیر خواهد بود. فتح بدون خونریزی و عدم مقاومت حاکمیت سیاسی کوره ارجان در مقابل اعراب مسلمان در آغاز دوره اسلامی (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۳۹/۲)، حاکمیت سیاسی گیلویه و نوادگان او طی سده‌های سوم و چهارم بر ناحیه کوهستانی کوه‌گیلویه در شمال کوره ارجان (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۲؛ سیاهپور، ۱۳۹۱)، حاکمیت دهقانان و شاهان کوچک محلی حاکم بر کشاورزان و کوچ‌نشینان و حاکمیت سیاسی آل‌بویه و سلجوقیان بر این کوره (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۴۸۳۰/۱۱؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰/۲)، و در نهایت، فعالیت‌های گسترده اسماعیلیان طی سده‌های سوم تا ششم ه. ق. که قلاع متعددی را در این منطقه تسخیر نمودند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۱۷)، از جمله تحولات سیاسی مرتبط با شکل‌گیری و پراکنش قلاع و استحکامات کوره ارجان است. راه‌های ارتباطی کوره ارجان از جمله عوامل مرتبط با کارکرد و شکل‌گیری قلعه‌ها و استحکامات نظامی منطقه هستند. شهر ارجان در موقعیتی قرار گرفته که دست‌کم از دوره هخامنشی، در مسیر راه خلیج فارس و خوزستان و بین‌النهرین به فارس و اصفهان و دیگر نواحی فلات ایران بوده است. این راه‌ها عبارت‌اند از: ۱. راه ارجان به اصفهان (مقدسی،

۱۳۶۱: ۶۷۳/۲؛ ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۱۸-۱۱۷؛ ۲. راه ارجان به شیراز (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۷؛ ابن رسته، ۱۳۷۵: ۲۲۲؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۴؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)؛ ۳. راه ارجان به خوزستان (اهواز) و سپس به عراق و سوریه (اصطخری، ۱۳۴۰: ۹۴؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۴؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۶۲؛ ادیسی، ۱۳۸۸: ۴۳؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۸۹)؛ ۴. راه ارجان به بنادر ساحلی جنبه و مهروبان (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۷/۲).
 اخیراً پژوهشی در خصوص شواهد باستان‌شناختی دو مسیر ارجان به اصفهان و ارجان به شیراز در استان کهگیلویه و بویراحمد، بدون توجه به استحکامات مرتبط با این راه‌ها انجام شده است (صالحی کاخکی و دیگران، ۱۳۹۱). با وجود این، بخش‌های جنوبی‌تر این کوره شامل مسیرهای ارتباطی شهرهای ارجان به سینیز، جنبه، مهروبان و هندیان در کوره یاد شده و رامهرمز در خوزستان، مورد بررسی قرار نگرفته است. این امر باعث شد تا شواهد قلعه‌ها برای شناخت وضعیت جغرافیای سیاسی - اداری این منطقه، چون راه‌ها و شهرهای باستانی با هم‌سنجی منابع تاریخی در خصوص تحولات سیاسی - نظامی مورد توجه قرار گیرد.

کارکرد و اهمیت قلعه‌های کوره ارجان

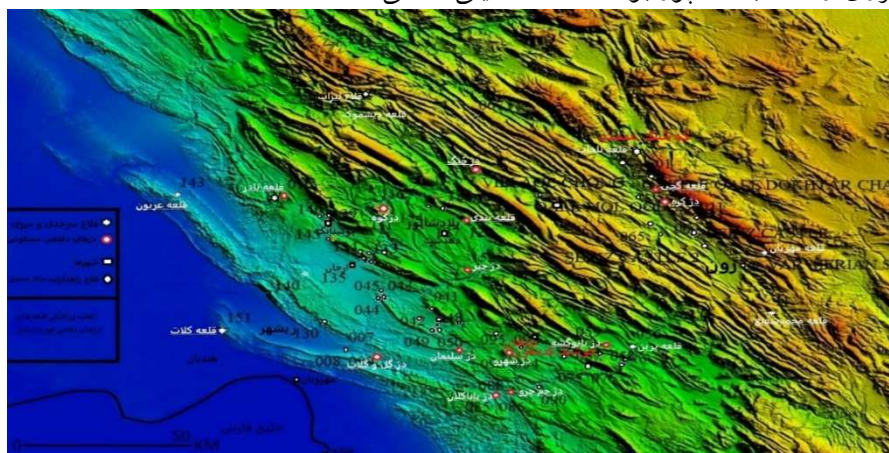
مطالعه منابع تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناختی، کارکردهای متفاوتی مانند دفاع از سرحدات و مرزها، مراکز جمعیتی، راه‌ها و قلمروهای زیستی چون رستاق‌ها و قلعه‌های مخالفین حکومتی را برای برخی از این قلعه‌ها متصور می‌سازد که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد (نقشه ۲).

۱) قلعه‌های سرحدی و مرزی

آنچه بیش از همه در باستان‌شناسی ساختار سیاسی اهمیت دارد، شناسایی مرزهای سیاسی است که معمولاً از طریق تحلیل موقعیتی براساس پراکندگی محوطه‌ها یا یادمان‌های باستانی در عرصه چشم‌انداز؛ بهره‌گیری از عوارض طبیعی همانند رودخانه‌ها و کوه‌ها؛ بهره‌گیری از مدارک مکتوب برای ترسیم مرزهای سیاسی؛ بازسازی واحدهای سیاسی متقدم براساس واحدهای سیاسی متأخر (براساس منابع مکتوب)؛ و رهیافت جبرباوری زیست‌بوم‌شناختی انجام می‌گیرد (دارک، ۱۳۷۹: ۱۲۸-۱۲۵). مرز یک سطح از طریق فضا و خاک در روی زمین و خطوط قراردادی در بخشی از محیط‌زیست یا قلمرو گروه‌های انسانی است که کشورها، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را از یکدیگر مشخص و

متمایز می‌کند (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۴۱). مرزها به عنوان یک عامل بازدارنده و دفاعی (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶)، چنانکه در دنیای معاصر، تعیین‌کننده حدود حاکمیت، قلمرو و کشمکش‌های گوناگون ملت‌ها و کشورها در سطوح مختلف منطقه‌ای و جهانی هستند، در سده‌ها و هزاره‌های گذشته نیز عامل مهمی در تعیین جغرافیای سیاسی - اداری و امنیت جوامع باستانی بوده‌اند. شاخصه‌های مرزبندی و حساسیت در کشورها، استان‌ها، شهرستان‌ها، آبادی‌ها و حتی در جوامع کوچ‌نشین و دام‌پرور، به دلیل گوناگونی نوع مرز، متنوع و از درجه‌های متفاوت حساسیت، برخوردار است؛ به طوری که حتی شکل هندسی مرز از نظر محدب، مقعر و مستقیم بودن آن، نقش مهمی در تعاملات گذشته، موضع آفندی و پدافندی، و امنیت مناطق و کشورها داشته است (احمدی نوحدانی و النجری چاودرچی، ۱۳۹۶: ۲۲۳). حفاظت از مرزهای جغرافیایی و تأمین امنیت آن‌ها، شاخص مهمی در ثبات اقتصادی و اجتماعی جوامع و حاکمیت اداری - سیاسی، از طریق کنترل مناطق مختلف، با ایجاد و ساخت قلاع و استحکامات نظامی است؛ به طوری که تهدید و ناامنی این مرزها، نتیجه عکس را در پی خواهد داشت. قرارگیری قلعه‌های سه‌گانه‌ای چون کلات در شرق شهر هندیجان، عربون در غرب شهرک جایزان و قلعه نادر لیکک در امتداد کمربند غربی کوره آرجان (تصاویر ۲-۴)، که هر کدام تا ناحیه مرزی، حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارند، نشان می‌دهد که این قلاع همچون پادگانی مرزی بر فراز تپه‌ماهورها، دره‌ها و تنگه‌های ارتباطی پیرامونی، مانع عمده‌ای در برابر راهزنی در این منطقه و ورود به ناحیه مرکزی شهر و کوره ارجان بوده است. موقعیت قرارگیری قلعه عربون، از چند جهت حائز اهمیت است: ۱) این قلعه افزون بر اینکه در سوی شرق با رودخانه مارون، هفت کیلومتر و با رودخانه یاد شده در سوی شمال غرب، ۲۰ کیلومتر فاصله دارد، با «شهرک فجر» که از سوی شمالی خود با ابوالفارس از طریق تنگه و رودخانه میان این دو بخش با رامهرمز ارتباط دارد، حدود ۹ کیلومتر فاصله دارد؛ ۲) قلعه عربون در ۳۵ کیلومتری غرب قلعه نادر، از مراکز سیاسی - اداری کوره آرجان و از پایگاه‌های مهم اسماعیلیان، بوده است؛ بنابراین، این دو قلعه، دو کریدور ارتباطی مهم رامهرمز و خوزستان را در کنترل دید داشته‌اند. قلعه نادر نیز دقیقاً در موقعیت سوق‌الجیشی، همانند با قلعه عربون قرار گرفته بود. این قلعه در جهت شمال و شرق، کریدور ارتباطی شهر ارجان و بوستانک به رامهرمز و تنگه‌های کوهستانی منتهی به این ناحیه بوده و تپه‌ماهورهای بخش غربی و جنوبی را محافظت و کنترل می‌نموده است.

غربی‌ترین قلعه کوره ارجان، قلعه کلات هندیجان است که بر فراز کوه نسبتاً مخروطی شکلی به ارتفاع ۲۰۰ متر از سطح دشت هندیجان، در فاصله هشت کیلومتری شرق روستای «کره‌با» در شمال شهر هندیجان کنونی قرار دارد.^۱ موقعیت قلعه به گونه‌ای است که به دلیل ارتفاع زیاد آن، اشراف کاملی بر دشت هندیجان و همچنین رشته‌کوه‌های کم‌ارتفاع‌تر میان هندیجان و دشت زیدون، موسوم به «رگ سفید» دارد. تنوع گونه‌های سفالی و شواهد معماری بر فراز بنای فوقانی قلعه کلات هندیجان نیز مؤید دوره‌های سکونت متعدد از دوره ساسانی تا سلجوقی است. کارکرد این سه قلعه در کمربند غربی کوره ارجان، احتمالاً به منظور محافظت از کاروانیان مسیر ارتباطی ارجان به خوزستان بوده است؛ زیرا راهزنان می‌توانستند از منطقه تپه‌ماهوری به عنوان پناهگاه امنی برای حمله به کاروان‌ها و غارت آن‌ها استفاده کنند. قلعه‌های بخش شمالی و شرقی این کوره در شرق باشت (قلعه پیرین بر فراز گذرگاه مرزی باشت به کوره شاپور) و همچنین، در امتداد کوه دنا مانند قلعه تنگ مهران و گردن قلعه یاسوج (توفیقیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰-۱۱۸) نیز بر فراز تنگه‌های ارتباطی قرار دارند تا عبور و مرور را به ناحیه کوچ‌نشین کنترل نمایند. قلعه دیشموک در عصر اشکانی و ساسانی و همچنین، قلاع لیراب در ۱۰ کیلومتری شمال غربی آن، حدود مرزی و سرحدی کوره ارجان را تعیین می‌کنند که تا دوره قاجار حد مرزی رستاق بلادشاپور بوده است (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۱۴۷۲/۲).

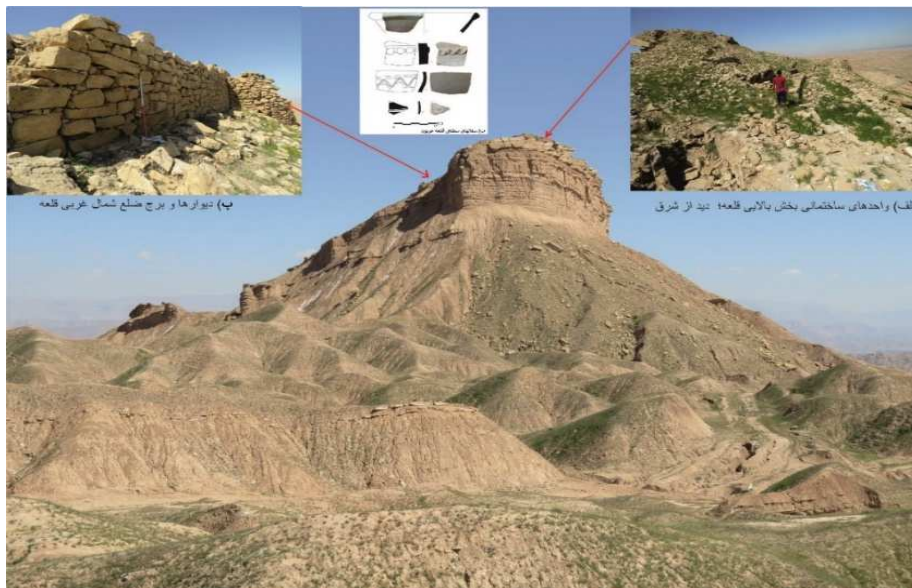


نقشه (۲) پراکنش قرارگیری قلاع و دژهای دفاعی کوره ارجان

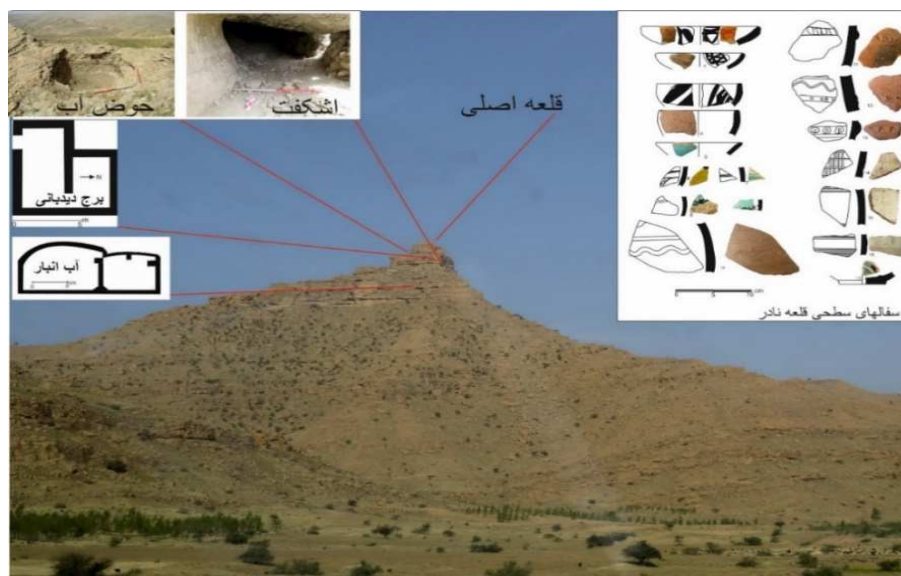
۱. قلعه کلات در مختصات جغرافیایی 39 R 0388272, UTM 3362575 و ارتفاع ۲۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد.



تصویر (۲) دورنمای قلعه کلات هندیجان؛ دید از غرب



تصویر (۳) چشم‌انداز قرارگیری قلعه عربون؛ دید از جنوب غرب



تصویر (۴) بقایای باستان‌شناختی قلعه نادر؛ دید از شرق

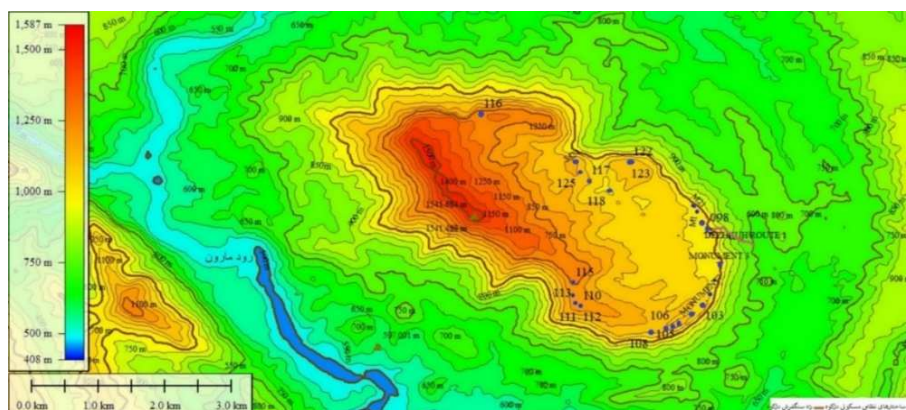
۲) قلاع مراکز جمعیتی

استحکامات نظامی مانند قلعه، سنگربندی‌ها، برج و باروها، تونل‌های زیرزمینی و ارگ، به‌عنوان مظاهر مادی جنگ و دفاع محسوب می‌شوند (بوخر، ۱۳۹۵: ۳۸) که برای ایجاد برنامه‌های دفاعی در زمان جنگ و حفاظت از جغرافیای زیستی و مراکز سیاسی-اداری، چون شهرها و روستاها شکل گرفته‌اند. پرداختن به استحکامات شهرهای تاریخی و مراکز جمعیتی، از آن‌رو اهمیت دارد که موضوع تحلیل الگوهای استقراری را مراکز جمعیتی (مانند شهرها) تشکیل می‌دهد (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۵: ۱۱۸) و در زمان شکل‌گیری شهر، توجه به مؤلفه‌های دفاع غیرعامل، یکی از اولویتهای مهم حاکمان و طراحان شهرها بوده است (رایگانی و تقوی، ۱۳۹۳: ۸۰)؛ بنابراین، اصولاً قلاع و برج‌های دیده‌بانی در پیرامون مراکز جمعیتی چون شهرها، بازتاب اندیشه دفاعی مهندسان و حاکمان شهرها در هنگام شکل‌گیری آن‌ها محسوب می‌شود. یکی از مسائل پژوهش حاضر، شناخت استحکامات نظامی شهرهای کوره ارجان از دوره ساسانی تا پایان سلجوقی است؛ زیرا افزون بر اینکه شهرهای این کوره، یکی پس از دیگری، بدون هیچ مقاومتی در آغاز دوره اسلامی به دست مسلمانان فتح شدند (دینوری، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۳۹/۲؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۱۵)، در دوره سلجوقی نیز شهرهای متعدد این کوره، مانند ارجان (ابن

بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸؛ گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰۳-۱۰۲)، بوستانک (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۵۶؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۵) و زیز (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۸؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۳۵) به وسیله اسماعیلیان ویران شده و رونق و شکوفایی خود را از دست دادند. نگاهی به پراکنش قلعه‌های دیده‌بانی شهرهای آرجان و بوستانک (تشان فعلی) نشان می‌دهد که بخش شرقی این شهرها به‌خصوص تنگ تکاب و تنگه خاییز در شرق شهر آرجان، از دوره ساسانی تا سلجوقی، اولویت مهم دفاعی آن‌ها محسوب می‌شده است (تصویر ۵). بر فراز تنگ تکاب، سازه‌های مستحکمی وجود داشته است که از این میان، سه قلعه در بخش غربی رودخانه مارون و دو قلعه در بخش شرقی آن، قرار داشته است. پراکنش گسترده سفال‌های دوره ساسانی تا سلجوقی در قلعه جنوبی تنگ تکاب موسوم به قلعه «نادرگ» و قلعه دژمهابی در شرق تنگه، گویای آن است که این قلاع همچنان موقعیت خود را برای حفاظت از شهر و دشت آرجان حفظ کرده‌اند. وجود سفال‌های نخودی سده‌های آغازین و میانه اسلامی در میان ملات بکار رفته در برخی اتاق‌های قلعه جنوبی موسوم به قلعه نادرگ، به‌خوبی تداوم حیات در قلعه یاد شده را نشان می‌دهد. استحکامات دفاعی بوستانک در شمال غربی شهر آرجان نیز مشرف بر تنگه‌های ارتباطی شرق این شهر مانند «تنگه بن»، دقیقاً در مرز با ناحیه کوهستانی شکل‌گرفته‌اند. علت این پراکنش، شاید کشمکش‌های سیاسی مدعیان قدرت و تهدیدات کوچ‌نشینانی بوده باشد که در ناحیه کوهستانی شرق آرجان در فارس و رامهرمز در خوزستان مسکن داشته‌اند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱۱۶). پراکنش قلعه‌های تاریخی در گذرگاه‌های ورود به دره شهر زیز در ناحیه کوهستانی کوه‌گیلویه، به عنوان یک مرکز اداری برای کوچ‌نشینان این ناحیه نیز نشان‌دهنده آن است که به مقوله دفاع در شکل‌گیری و تداوم حیات شهر، دقت شده است (سپیدنامه، ۱۳۹۷: ۱۴۸). شناخت استحکامات دفاعی بنادر ساحلی به دلیل گسترش ساخت‌وسازهای استقرارگاه‌های امروزی بر بقایای باستانی تا حدودی دشوار است؛ باوجود این، شناخت جایگاه این بنادر (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۰-۷) و کاوش محوطه مرتبط با آن‌ها (اسمعیلی‌جلودار و مرتضایی، ۱۳۹۱: ۲۲)، می‌تواند در درک موقعیت استحکامات دفاعی این شهرها کمک شایانی کند.

مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع ... | ۹۳

این گستره جغرافیایی قرار گرفته بود، اما در این گستره جغرافیایی، سه دژکوه با نام دژکوه سوق (نقشه ۳؛ تصاویر ۶ و ۷)، قلعه دز چیر (تصاویر ۹ و ۸) و قلعه بندی (آزادی، ۱۳۸۷: ۴۹۴-۵۰۰) وجود دارد که همگونی آشکار سفال‌های آن‌ها (تصویر ۱۰) که در بازه زمانی سده‌های دوم تا چهارم هـ. ق؛ یعنی دوره حاکمیت گیلویه و نوادگان او قرار می‌گیرند (سیاهپور، ۱۳۹۱: ۶-۵)، حاکی از توجه به امنیت این حوزه اداری طی سده‌های یاد شده است. این سه دژ که با توجه به ساختارهای معماریشان، با وجود اتاق‌های مجزا بر یال کوه و برج‌های دیده‌بانی پیرامونی، سربازخانه‌های نظامی را به یاد می‌آورد، مانند کمربندی دفاعی سه ضلع شمال، شرق و غرب ناحیه مرکزی بلادشاپور را محافظت می‌کنند. ضلع جنوبی این رستاق را نیز قلاع دیده‌بانی شرق شهر آرجان، کنترل می‌کرده است. یافت نشدن شواهدی از استقرار دوره صفویه در این دژها و در مقابل، وجود سفال‌های سده سوم تا ششم هـ. ق. در آن‌ها، نشان از عدم توجه به رعایت اصول دفاع غیرعامل، مانند اصول پراکندگی و خیر، در تأمین امنیت شهر دهدشت دارد که پس از رونق روزافزون خود در دوره صفویه، در پایان این دوره، به دست طوایف کوچ‌نشین و همچنین شورش‌های متعدد پیش از آن، به کلی ویران شد (رایگانی و تقوی، ۱۳۹۳).



نقشه (۳) توپوگرافی و موقعیت بناهای نظامی دژکوه (تهیه شده در نرم‌افزار گلوبال مپ)



تصویر (۶) بقایای ساختمان‌های مسکونی لبهٔ پرتگاه دژ کوه



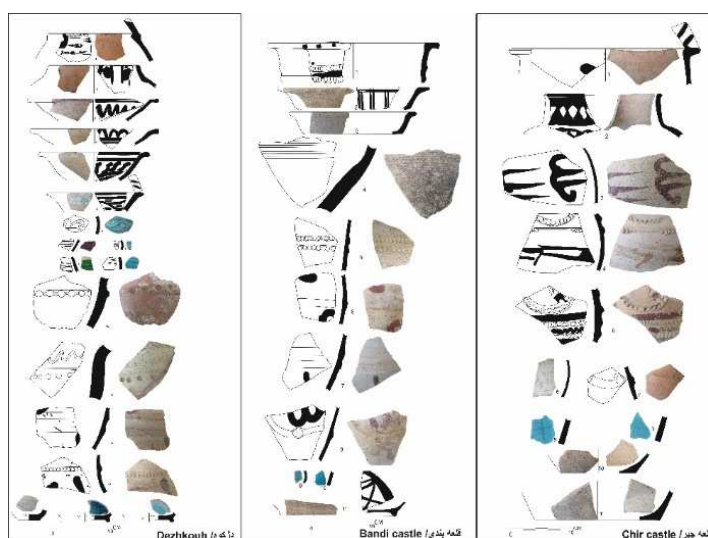
تصویر (۷) بقایای ساختمان ضلع شمال غربی دژ کوه



تصویر (۸) قلعه دژ روستای چیر



تصویر (۹) بقایای اتاق‌های مسکونی بر یال کوه دژ چیر



تصویر (۱۰) سفال‌های سطحی همگون دژهای سه‌گانه رستاق بلادشاپور^۱ (طراح: حسین سپیدنامه)

۴) دژهای مسکونی دهقانان و رؤسای طوایف کوچ‌نشین

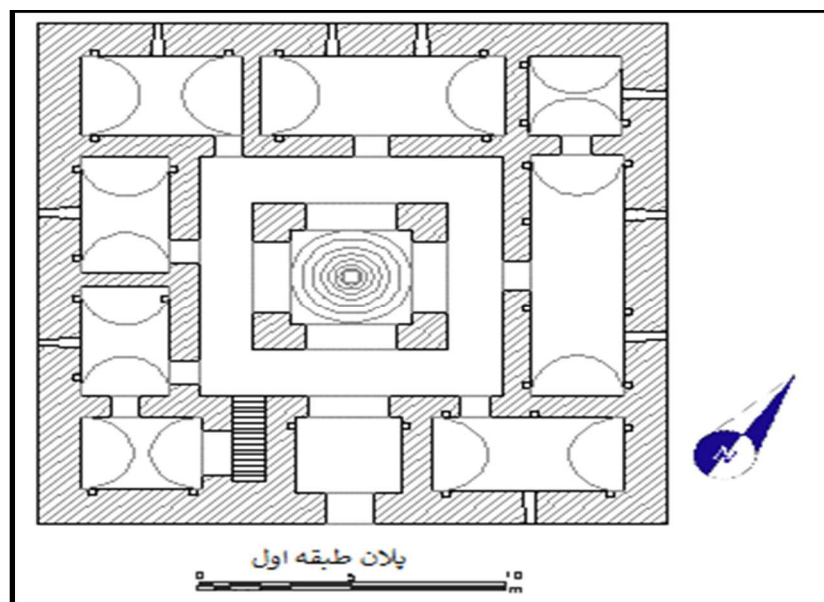
به‌منظور درک و تحلیل استحکامات نظامی اواخر دوره ساسانی تا پایان دوره سلجوقی، شناخت طبقه اجتماعی «دهقانان» که تنها بازماندگان نظام سیاسی - اداری ساسانیان از دوره قباد و انوشیروان بودند، امری ضروری است. دهقانان که مسئول گردآوری خراج و

۱. این سفال‌ها که عمدتاً در اثر کاوش‌های غیرمجاز بر سطح دژهای یاد شده آشکار شده‌اند، پس از طراحی و مستندنگاری به محل برداشت شده، بازگردانده شدند.

مالیات ارضی و وصول آن به خزانه شاهی، نظارت و برنامه‌ریزی در کار کشاورزی، و اداره امور محلی روستاها بودند (آذرنیوشه و صالحی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱)، غالباً در خانه‌ای اربابی یا یک دژ در دهکده‌ها سکونت داشتند (طاووسی و میرزایی، ۱۳۸۳: ۹). در آغاز ورود اسلام به ایران، دهقانان ضمن انعقاد معاهدات صلح با اعراب و تضمین مصونیت آزادی و دارایی شخصی و آزادی دینی اقلیت‌های زردشتی، مسیحی و کلیمی، با پرداخت خراج به حیات خود در جامعه اسلامی ادامه دادند و با تجربه‌ای که در امور دیوانی داشتند از شأن و جایگاه والایی در دستگاه خلافت برخوردار شدند (امیری، ۱۳۸۷: ۳۵-۱۹). با رواج اقطاع و دولتی شدن املاک و تبدیل آن‌ها به اقطاع نظامی در مقیاس گسترده، در عهد خلفای عباسی و شهریاران آل‌بویه، دهقانان در حد رعیت دولت باقی ماندند (طاووسی و میرزایی، ۱۳۸۳: ۲۴). کوره ارجان به‌عنوان یکی از هشت ناحیه حاصلخیز ایران، با داشتن دشت‌های وسیع و قابلیت‌های گسترده کشاورزی، به‌خصوص در دوره آل‌بویه (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۱/۲-۶۷۳)، و رستاق‌های متعددی چون بلادشاپور، باش، فزروک و ریشهر، سهم مهمی از عواید و تأمین خزانه شاهی را به خود اختصاص می‌داد؛ اداره این نواحی نیز با دهقانان بود؛ بنابراین، برای اداره ناحیه‌ای با این درجه از اهمیت، داشتن استحکاماتی برای تأمین امنیت آن، به‌خصوص راه‌های ارتباطی مهمی که از آن عبور می‌کرد، ضروری بود. از مهم‌ترین استحکامات حکومتی کوره ارجان می‌توان به دژ «چم‌چرو» اشاره کرد (تصویر ۱۱). می‌توان با مطالعات اکولوژیکی و همسنجی این دژ با منابع تاریخی (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۴۸؛ ادریسی، ۱۳۸۸: ۴۹)، آن را همان قلعه جلاذگان دانست؛ قلعه‌ای که منابع تاریخی به تسخیر آن به دست اسماعیلیان ارجان، از دزدار امیر اُتر، والی این منطقه در دوره سلجوقی اشاره می‌کنند که در دوره ملک‌شاه سلجوقی به رسم اقطاع به او واگذار شده بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۱۷). در بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه‌های سد چم‌شیر، بقایای مجموعه حاکم‌نشین آن متشکل از چندین بنای خوش‌ساخت بزرگ، چند آب‌انبار بزرگ و کوچک، بقایای استقرارگاهی بزرگ در دامنه شمالی آن موسوم به دامن عروس و همچنین برج‌ها و دژهای دیده‌بانی و محافظتی در مسیر باروی دور کوه، در فواصل نامنظم، مورد شناسایی قرار گرفته است (عطایی و زارع، ۱۳۹۷: ۲۶۰).



تصویر (۱۱) نمای کلی دژ کوه چم‌چرو؛ دید از غرب (مأخذ: نگارندگان)



نقشه (۴) پلان کوشک گدنگون گچساران (مأخذ: مرتضی گراوند)

دژکوه‌های متعدد دیگری در بخش شمالی کوره ارجان وجود داشته است که تنها با تکیه بر مطالعه و تحلیل منابع تاریخی، می‌توان از شکل‌گیری آن‌ها تا حدودی آگاه شد. اداره مناطق کوهستانی بخش شمالی کوره ارجان که قابلیت کشاورزی چندانی نداشت و

زیستگاه گردان (کوچ‌نشینان) با ساختار طایفه‌ای و قبیله‌ای بود، به‌وسیلهٔ رؤسای در یک محدودهٔ جغرافیایی موسوم به «رم» اداره می‌شد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۳) اتحاد گردان خوزستان و فارس در مقابل فتح ناحیهٔ فارس به دست سپاهیان اسلام در سدهٔ نخست هـ. ق. (سیاهپور، ۱۳۸۹: ۹۷) که در هر رم، همیشه حدود دو هزار تا هزار سوار آماده بودند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۳؛ ادریسی، ۱۳۸۸: ۴۸)، بیانگر قدرت نظامی جامعهٔ کوچ‌رو خان‌سالار به هنگام تهدید، در دفاع از حدود حاکمیتی خویش است؛ به‌طورکلی، رئیس‌سالارها، خان‌ها، اربابان و دهقانان حاکم بر این جوامع و صاحبان استحکامات، در زمان آشفتگی وضعیت سیاسی حکومت مرکزی و عدم توانایی در کنترل قلمرو سرزمینی، بیشترین قدرت را به عنوان نخبگان سیاسی و اشراف کشور، ایفا و از مرزها نیز به بهترین نحو ممکن، حفاظت می‌کردند، حکومت‌های موروثی ایجاد می‌نمودند و با تعاملات دوسویه با یکدیگر، مبادلات اقتصادی و تجاری شکل می‌دادند (ریویر، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۶۴). حاکمیت گیلویه بر طوایف کوچ‌نشین از سدهٔ دوم هـ. ق. نیز نشان‌دهندهٔ جامعهٔ خان‌سالار قبیله‌ای و ساختار قدرت و حاکمیت ملوک‌الطوایفی در این منطقه بوده است. این شیوهٔ حاکمیت در منطقهٔ کوه‌گیلویه در سال ۱۳۴۲ خورشیدی، با کشته شدن عبدالله خان ضرغامپور بویراحمدی پایان یافت؛ بنابراین، قلعه‌ها و استحکامات نظامی دهقان‌سالاران و خان‌سالاران، از مهم‌ترین شواهد مادی مدیریت اداری کوره ارجان هستند که با توجه به ساختار اجتماعی مبتنی بر شیوهٔ معیشت غالب کشاورزی در دشت جنوبی و غربی این کوره و رمه‌داری در بخش شمالی و شرقی کوهستانی آن (کوه‌گیلویه) در دورهٔ اسلامی، می‌توان بر اهمیت و کارکرد آن‌ها برای دو طیف یاد شده تأکید کرد. کوشک‌های کوه‌گیلویه در حقیقت، نمودی از نظام سیاسی - اداری جوامع کوچ‌نشین این منطقه هستند؛ بقایای دو کوشک از سده‌های نخستین و میانهٔ اسلامی، در دشت امامزاده جعفر گچساران در ناحیهٔ گرمسیری گنبدملغان (نقشهٔ ۴) و همچنین در شمالی‌ترین نقطهٔ کوره ارجان در ناحیهٔ سردسیر دشتک میمند بویراحمد (گاوبه، ۱۳۵۹: تصویر ۴)، وجود دارد که دارای ساختار معماری همانند هستند. این کوشک‌ها در هنگام آرامش، می‌توانستند به‌عنوان مکانی خوش‌نشین در بیلاق و قشلاق، مورد استفادهٔ حاکم منطقه قرار گیرند. پس از دورهٔ صفویه به‌خصوص در دورهٔ قاجاریه، کدخدایان طوایف و رؤسای ایلات کهگیلویه، کوشک‌ها و قلعه‌های اربابی خویش را بر روی بنای قلاع قدیمی‌تر ساخته‌اند. استقرار در برخی از این قلاع همانند قلعهٔ دیشموک و قلعهٔ روستای ابول در

ناحیه دهدشت که عمدتاً در دشت و در میان مزارع کشاورزی و نواحی سکونت نیمه‌کوچ‌نشینان قرار گرفته‌اند، دست‌کم از دوره اشکانی و ساسانی شناخته شده است (رایگانی و سپیدنامه، ۱۳۹۴).

قلعه‌های راهداری

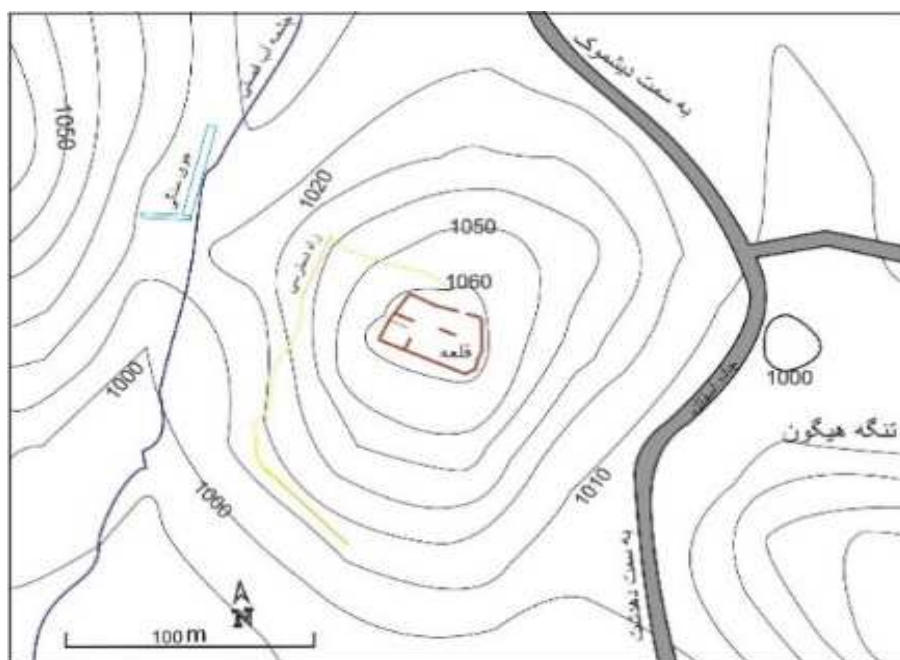
قلعه‌ها و استحکامات نظامی از مهم‌ترین عناصر برای فهم چشم‌اندازهای اقتصادی چون راه‌ها و مسیرها هستند که می‌توانند کلید یا راهنمای مهمی برای شناخت ساختار و طرح کلی چشم‌انداز اداری فراهم نمایند. مسیر این راه‌ها را می‌توان بر پایه متون نوشتاری مانند سفرنامه‌ها و یا به‌طور مشخص، از توپوگرافی کلی یک منطقه، مانند دره‌ها، گذرگاه‌ها، معابر کوهستانی و همچنین جاده‌های سنگفرش، پل‌ها، کاروانسراها، برج‌ها و استحکامات دفاعی، انبارها، آب‌انبارها، میل‌ها و مناره‌ها بازسازی نمود. وظیفه ساکنان قلعه‌های راهداری که با توجه به کاربری‌شان در مسیر راه‌های ارتباطی مهم، در امتداد گذرگاه‌ها و بر فراز کوه‌ها و تپه‌ها ساخته می‌شدند، رساندن اخبار، تأمین امنیت راه‌ها، و حفاظت مسافران، بازرگانان و مال‌التجاره آنان از خطر راهزنان و مهاجمان بوده است. پراکنش قلاع راهداری در مسیر راه ارجان به شیراز، به‌خصوص در دشت لیشر تا دشت امامزاده جعفر گچساران، بیش از راه ارجان به اصفهان دیده می‌شود. این امر حاکی از اهمیت این راه در برهه زمانی دوران هخامنشی تا آل‌بویه به مرکزیت سیاسی - اداری فارس بوده است؛ همان‌طور که جغرافی‌نگاران سده‌های نخستین و میانه اسلامی نیز به منزلگاه‌هایی مانند فرزک، بندک، حبس یا هبر، خان‌حماد و گنبدملغان (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۷؛ ابن رسته، ۱۳۷۵: ۲۲۲؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۴؛ قدامه بن جعفر، بی تا: ۲۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۷۳؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۶۲) در این راه ارتباطی، اشاره نموده‌اند. قلعه‌های راهداری کوه‌گیلویه با میانگین ابعاد ۲۰ در ۳۰ متر و حدود ۶۰۰-۴۰۰ متر مساحت، عمدتاً بر فراز تپه‌هایی به ارتفاع ۲۰-۱۵ متر از سطح محیط پیرامونی ساخته شده‌اند (تصویر ۱۲؛ نقشه ۵). امکان ترسیم پلان بنای بسیاری از این قلعه‌ها، میسر نیست؛ باوجوداین، شواهد باستان‌شناختی (سفال)، گویای تداوم حیات این قلعه‌ها از دوره ساسانی تا سلجوقی است. البته فقدان نظم در پراکنش قلعه‌های راهداری راه ارجان به اصفهان، نمی‌تواند نشان عدم توجه به راه‌های مناطق دیگر تلقی گردد؛ زیرا پاره‌ای از فواصل این راه‌ها، به‌واسطه

۱۰۰ | فصلنامه علمی مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۱۱ |

دژهای دفاعی مسکونی سه‌گانه رستاق بلادشاپور، تأمین امنیت می‌شده است و حاکمان این منطقه کوچ‌نشین نیز خود در تأمین امنیت راه‌ها، نقش اساسی داشته‌اند.



تصویر (۱۲) موقعیت قلعه تنگ هیگون؛ دید از شمال



نقشه (۵) پلان قلعه تنگ هیگون دهدشت

۵) قلاع اقلیت‌های دینی و مذهبی

در کوره ارجان، پیروان ادیان مذهبی زیادی از جمله زرتشتیان، مسیحیان، صابئیان و مانویان، در دوران پیش از اسلام و همچنین فرقه‌های خوارج، قرامطه، اسماعیلیان و مذهب تشیع در دوره اسلامی، حضور و فعالیت داشتند که با داشتن پایگاه‌های نظامی و استحکامات دفاعی، در فروپاشی سیستم اداری و حاکمیت سیاسی این کوره پس از شکل‌گیری آن، تأثیرگذار بودند (رایگانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۴). پژوهش در منابع تاریخی نشان می‌دهد که در ناحیه ارجان، قلعه استوار و بلندی موسوم به «قلعه حص» وجود داشته است که افراد معدودی از زرتشتیان، در بالای آن کوه، به بحث و خواندن دانش‌های خود سرگرم بوده و لوحه‌ها و داستان‌های نوشته‌شده‌ای از پادشاهان، مرزبانان و موبدان پیش از اسلام، از نقوش برجسته سنگی ناحیه شاپور را در اختیار داشته‌اند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۱؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۲؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۲۴-۱۱۲). همسنجی منابع تاریخی در خصوص ایستگاه بین‌راهی «کنیسه المجوس» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۷۳/۲)، با شواهد باستان‌شناختی کاروانسرای دژمهابی بر مسیر ارجان به سمیرم و اصفهان (صالحی کاخکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۳) و همچنین آتشکده‌های گل سرخندان موسوم به سه‌گنبدان در نزدیکی تنگ تکاب (یغمایی، ۱۳۷۳: ۶۴-۶۳)، حاکی از وجود مرکزی مهم از زرتشتیان، در سده‌های نخستین اسلامی، در غرب کوه‌گیلویه و شرق شهر ارجان است که از آن به‌عنوان پایگاهی علمی - فرهنگی در سده‌های نخستین اسلامی یاد شده است (سپیدنامه و دیگران، ۱۳۹۶). احتمالاً قلعه اشکانی - ساسانی دیشموک دارای چنین کارکردی بوده که در دوره اسلامی متروک شده و در زنده‌ی تا پهلوی، مجدد از سوی خوانین، مسکون شده است (تصویر ۱۳). براساس آثار معماری و سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی قلعه و وجود استودان‌ها و تحلیل زبان‌شناختی نام‌واژه دیشموک، به‌نظر می‌رسد نام اصلی قلعه، دژ مُغ بوده است که به جایگاه مغ‌ها در دوران پیش از اسلام اشاره دارد (طاهری، ۱۳۶۵: ۳۷۳؛ رایگانی و سپیدنامه، ۱۳۹۴: ۱۹۷). موارد دیگری از این‌گونه کارکرد برای دژهای ایران وجود دارد؛ به‌طوری‌که منابع اسلامی اشاره به دژی از موبدان در ری، پای کوه دماوند می‌کنند که محل موبد زرتشتی «مسن مغان» بوده است؛ سرانجام، المهدی عباسی، ضمن ویران کردن دژ، مسن مغان را نیز کشت (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۵۲). مغ‌ها در دوره ساسانی که در پایین‌ترین مرتبه روحانیت مذهبی قرار داشتند، افزون بر خدمت در مشاغل گوناگون در نواحی، شهرها، دهکده‌ها و آتشکده‌ها،

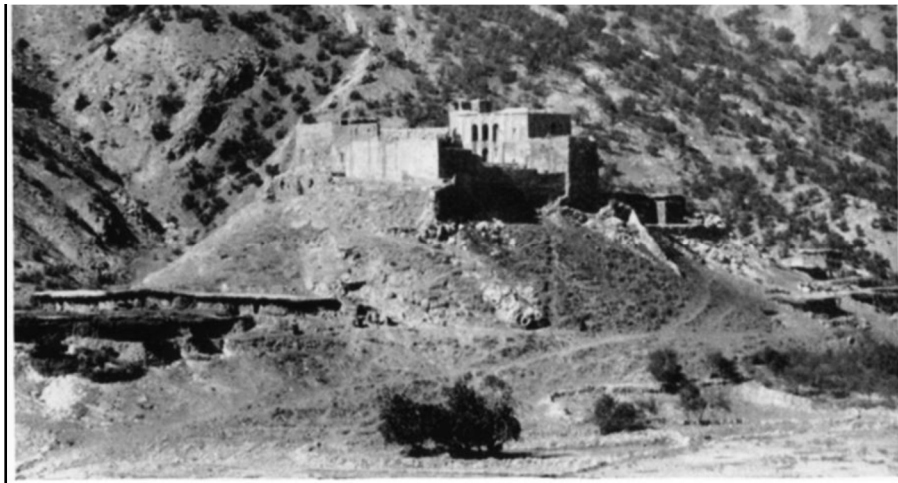
مسئولیت‌هایی مانند نظارت و رسمیت دادن به معاملات و امور اقتصادی، حتی اداره برخی از ایالت‌ها را نیز بر عهده داشتند (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۳)؛ بنابراین، برخی از دژهای کوهستانی متعلق به مغ‌ها و زرتشتیان همانند قلعه جص که احتمالاً تا مدت‌ها پس از برافتادن ساسانیان و مذهب زرتشتی، در اختیار آنان بوده است، در سازمان اداری دوره ساسانی و حتی سده‌های نخستین اسلامی اهمیت داشته‌اند.

از قلاع و استحکامات قرمطیان، آگاهی خاصی از متون تاریخی حاصل نمی‌شود؛ باین‌حال، برخی از پژوهشگران، وقفه فرهنگی بین سال‌های ۳۴۰-۲۳۰ هجری در کاوش‌های مهروبان، یعنی در لوکوس ۱۶ را (اسمعیلی جلودار و مرتضایی، ۱۳۹۱: ۲۲) با روزگار حملات قرامطه و غارتگری‌های بساسیری مرتبط می‌دانند (بحرانی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲). فعالیت اسماعیلیان بیش از دیگر فرق مذهبی برای حاکمیت سیاسی ارجان، در سراسر بوده است. به احتمال زیاد، حضور آن‌ها در ناحیه ارجان، به هجرت احمدبن محمدبن اسماعیل بن جعفر صادق به رامهرمز در غرب ارجان و گذر حسن صباح، هنگام بازگشت از مصر و بغداد به خوزستان و اصفهان برمی‌گردد (خراسانی فدایی، ۱۳۷۳: ۸۹-۹۷). ناصر خسرو نیز در بازگشت از سفر حج، از بصره به کوره ارجان وارد می‌شود و ضمن حضور در بندر مهروبان و شهر ارجان، از طریق گذرگاه شمشیربریده به لوردگان، خان‌لنجان و اصفهان رفته است (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۱۷-۱۱۶). در حقیقت، گسترش دعوت اسماعیلیان از ناحیه فارس (ناحیه ارجان) و خوزستان (رامهرمز) آغاز و سپس، به مناطق مرکزی ایران، نواحی خراسان و جبال کشیده شده است (سیدزیدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۴) نزدیکی زمان حضور حسن صباح و ناصر خسرو در منطقه و فعالیت گسترده اسماعیلیان به رهبری ابوحمزه اسکاف، در آغاز شکل‌گیری دولت سلجوقی، حاکی از یک برنامه‌ریزی سنجیده برای دعوت و ملاقات با پیروان امام اسماعیلی آن‌ها در منطقه بوده است. داعی ابوحمزه در ارجان، از جمله داعیان اسماعیلیه سفر کرده به مصر بود که توانست بسیاری از قلعه‌های این منطقه، مانند قلعه ناظر به حدود خوزستان و قلعه طنبور در دو فرسنگی ارجان، قلعه جلادگان (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۱۷-۲۹۷)؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۱: ۹۷) و بسیاری از قلاع دیگر، مانند دژ گلاب، قلعه جص، دژکوه، قلعه فرامرز، قلعه ماهیروبان، قلعه دیرآب و قلعه آب شیرین را که در متون متأخرتر به آن‌ها اشاره شده (زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۵۷؛ ویلی، ۱۳۸۶: ۲۹۰)، با ترفندهای مختلف تسخیر نماید. اسماعیلیان کوره ارجان با حمله به شهرهای ارجان، بوستان و زیز، آن‌ها را ویران

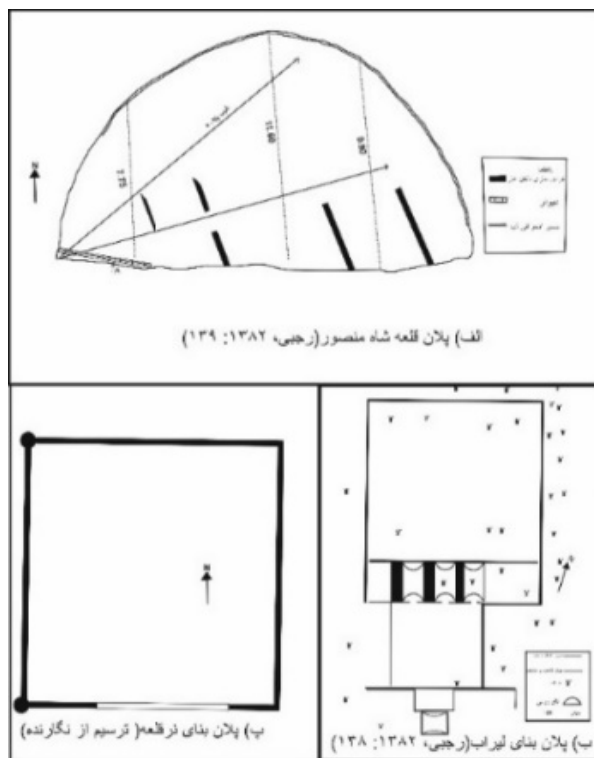
مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع... | ۱۰۳

کردند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۴۷؛ گاوبه، ۱۳۵۹، ۱۰۲)؛ شهرهایی که پس‌از این ویرانی‌ها، دیگر حیات و رونقی نیافتند.

براساس پژوهش‌های انجام شده، در دوره تاریخی و اسلامی، به‌خصوص از دوره هخامنشی به بعد، دو مسیر ارتباطی مهم خوزستان و بنادر ساحلی به فارس و اصفهان (فلات مرکزی ایران) برقرار بوده که برخی از تأسیسات عام‌المنفعه مرتبط با این راه‌ها همانند کاروانسراها تا قبل از ساخت جاده‌های ماشین‌رو جدید، مورد استفاده کاروان‌های تجاری قرار می‌گرفته است، اما وجود برخی قلاع و استحکامات نظامی در کنار گذرگاه‌ها، تنگه‌ها و دره‌های میانکوهی و همچنین، بقایای برخی پل‌های تاریخی منطقه مانند پل تاریخی نازمکان شهرستان گچساران و پل بریده در ناحیه لنده، دورتر از مسیر اصلی راه‌های شناخته شده، نشان از وجود مسیرها و گذرگاه‌های استراتژیکی است که در یک مقطع خاص، مورد استفاده قرار گرفته و در دوران دیگر، اهمیت خویش را بازنیافته‌اند. یکی از این مسیرها که با توجه به وجود قلاع عصر سلجوقی، احتمال وجود یک مسیر نظامی متعلق به اسماعیلیان را محتمل می‌سازد، بین قلعه نادر (الناظر) به قلعه دژکوه و لیراب قرار دارد. قلعه نادر این موقعیت ویژه را داشته تا علاوه بر تسلط بر شهر بوستانک در غرب ناحیه ارجان، بر راه ارتباطی - تجاری رامهرمز به ارجان، کنترل داشته باشد. اهمیت قلعه نادر برای اسماعیلیان به حدی بوده است که هنگامی که ابن‌عطاش در قلعه شاهدژ، مورد محاصره سلجوقیان واقع شده بود، یکی از امتیازاتی که از سلجوقیان برای پایان درگیری مطرح نمود، این بود که افزون بر فرستادن برخی از همراهان به قلعه الموت، کسی را مأمور کنند تا برخی از اسماعیلیان قلعه شاهدژ را تا این قلعه که در دست یاران اسماعیلی بود، همراهی کنند (میناسیان، ۱۳۸۷: ۱۵۶). این امر نشان می‌دهد قلعه نادر در ردیف قلعه الموت اهمیت داشته است؛ از سوی دیگر، جایگاه رفیع برخی دیگر از قلعه‌ها همانند دژکوه در نزدیکی شهر سوق که قابل‌مقایسه با قلعه نادر هستند، ساختارهای معماری لبه کوه که در ارتباط با دیدبانان دژ بوده‌اند، پراکنش گسترده سفال دوره سلجوقی در آن و همچنین گذرگاه کاملاً حفاظت شده ورود به این قلعه، نمایانگر آن است که قلعه دژکوه مورد توجه گروه اسماعیلی مذهب به رهبری ابوحمزه کفشگر قرار گرفته است.



تصویر (۱۳) نمای کلی قلعه دیشموک در دوره پهلوی (Harrison, 1936: 28)



نقشه (۶) پلان بناهای برجای مانده لیراب

| مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع ... | ۱۰۵



تصویر (۱۴) بقایای دژ باباکلان



تصویر (۱۵) جغرافیای سیاسی - نظامی حضور اسماعیلیان در کوره آرگان (مأخذ: نگارندگان)

شواهد باستان‌شناختی نشان‌دهنده آن است که گذرگاه بین این دو دژ، به وسیله قلاع دیگری مورد حفاظت قرار گرفته است. در نزدیکی گذرگاه شمشیربریده دیشموک، آثار سه قلعه در ارتفاعات دره لیراب شناسایی شده است (تصویر ۱۳؛ نقشه ۶) که با توجه به گاه‌نگاری این قلعه‌ها، می‌توان بر وجود قلعه‌های اسماعیلی در این ناحیه طی دوره سلجوقی نیز تأکید کرد. البته سکوت ناصرخسرو در خصوص مراکز بین ارجان و تنگ شمشیربریده در سیر حرکت به لردگان و اصفهان، تأمل‌برانگیز است. قرارگیری قلاع لیراب در ناحیه دیشموک، یعنی حد ناحیه بلادشاپور با لردگان و اصفهان (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۷۲/۲)، که در متون تاریخی از آن به‌عنوان یکی از قلاع اسماعیلیه با نام «دیرآب» یاد شده است، تا حدودی در توجیه سکوت او به لحاظ پنهان بودن این مراکز برای حکومت سلجوقی، مؤثر خواهد بود. دره لیراب و تنگ شمشیربریده در شمال آن، یکی از گذرگاه‌های ارتباطی مهم بین ناحیه کوه‌گیلویه با ناحیه لردگان و اصفهان است که پیشینه ارتباطی آن با توجه به پژوهش‌های باستان‌شناختی و تاریخی، دست‌کم از دوران حاکمیت سیاسی الیمائیان تا سده پنجم هـ. ق. شناخته شده است (رجبی، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۶). پیش‌تر برخی از پژوهشگران نیز با توجه به نزدیکی قلعه شاه‌منصور به قلعه خان‌لنجان و همچنین موقعیت استراتژیک این قلعه، آن را قلعه‌ای اسماعیلی دانسته بودند (همان: ۷۲)؛ نامی که با توجه به قرارگیری این قلعه در کنار رودخانه لیراب، کاملاً در تطبیق نام لیراب با دیرآب، تا حدود زیادی منطقی به‌نظر می‌رسد. همانندی فرم و مشخصات فنی سفال‌های لیراب (آزادی، ۱۳۹۱: ۴۶۷) با سفال‌های دژهای سه‌گانه رستاق بلادشاپور از سده‌های سوم تا دوره سلجوقی، نشان می‌دهد که این قلاع، هم‌زمان با دژهای یاد شده، مورد توجه حاکمیت سیاسی کوه‌گیلویه بوده است. دژکوه‌های مستحکم طبیعی دیگری مانند دژ باباکلان و دژ سلیمان در ناحیه شرقی کوره ارجان وجود داشته است که احتمال می‌رود مخالفان حکومتی همانند اسماعیلیان، با آگاهی کامل از اهمیت نفوذناپذیری، آن‌ها را تسخیر کرده باشند. دژ باباکلان یکی از این دژکوه‌هاست که در پیرامون جهات چهارگانه راس کوه، اتاق‌های سربازان یا دیده‌بانان دژ، بر گرداگرد لبه کوه، با لاشه‌سنگ و بدون استفاده از ملات ساخته شده‌اند و هر جا را که امکان نفوذ به دژ وجود داشته، با دیوار عمودی با لاشه‌سنگ مسدود نموده‌اند. پراکندگی اندک سفال، قرارگیری اتاق‌ها بر لبه کوه و عدم وجود نظامی خاص در ساخت اتاق‌ها و تأسیسات دیگر، مانند آب انبار، بر موقتی بودن استفاده از دژ تأکید دارد. احتمال می‌رود این دژ در

یک دوره آشفته‌گی به‌وسیله یک گروه ساخته شده و با بازگشت آرامش یا سرکوب آن‌ها، مورد استفاده قرار نگرفته است؛ چنانکه برخی از باستان‌شناسان، دیوارهای دفاعی مشابه با این ساختارها را در منطقه فارس، متعلق به زرتشتیانی می‌دانند که در مواقع ناامنی به این مکان‌ها پناه می‌آورده‌اند (عسکری چاوردی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

نتیجه‌گیری

تقسیمات جغرافیایی دوره ساسانی در جنوب غربی ایران (فارس و خوزستان) بر مبنای کوره، رستاق، طسوج و دیه، تا مدت‌ها پس از ورود اسلام به ایران، به دلیل ناآگاهی اعراب مسلمان، از سوی حاکمان عرب و ایرانی تداوم یافت. پژوهش حاضر در راستای شناخت جایگاه قلاع و دژهای ارجان در منظر جغرافیای سیاسی - اداری این کوره، پی‌بردن به موقعیت معابر، نقاط و پهنه‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، و شناخت کارکرد آن‌ها، بر روی بیش از ۶۰ قلعه و دژکوه انجام شد.

براساس تحلیل‌های صورت گرفته، در اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی، واحدهای جغرافیایی اداری - سیاسی مشخصی (مانند رستاق بلادشاپور) در پهنه جغرافیایی کوره ارجان وجود داشته است که عوامل جغرافیایی طبیعی، مانند تنگه‌ها و دره‌های میانکوهی، گردکوه‌های طبیعی ناحیه کوه‌گیلویه و دشت‌های کوچک و بزرگ، تأثیر زیادی در مرزبندی‌ها، تقسیمات جغرافیایی و شکل‌گیری استحکامات آن داشته‌اند. قرارگیری قلعه‌ها و دژهای مشرف به دشت‌های مستعد کشاورزی و نزدیکی به کانال‌های آبیاری و قنات‌ها، و اشراف دید ساکنان قلعه‌ها بر مراکز جمعیتی و تأسیسات عام‌المنفعه مرتبط با راه‌های ارتباطی آن نواحی، چون پل‌ها، کاروانسراها و گذرگاه‌های استراتژیک (راه‌های ارجان به شیراز، اصفهان و خوزستان)، گویای کارکردهای متعدد استحکامات یاد شده است. با وجود این، مهم‌ترین کارکرد قلعه‌های کوره ارجان، تأمین امنیت راه‌های این منطقه بوده است؛ چنانکه بیش از ۵۰ قلعه بررسی شده، در ارتباط با راه‌ها بوده است. در رستاق بلادشاپور، سه دژکوه دفاعی مستحکم وجود داشته است که در سده‌های سوم و چهارم ه. ق. با حاکمیت و توجه خاص گیلویه و نوادگان او بر این ناحیه، جهت تأمین امنیت راه‌ها و گردآوری مالیات در بخش کوهستانی کوره ارجان، ایجاد شده بود. وجود قلعه‌های متعدد بر فراز تنگه تکاب و همچنین تنگه‌های مشرف بر محوطه تاریخی تشان (شهر بوستانک در منابع تاریخی) در مرز با ناحیه کوچ‌نشین

کوهستانی کوه‌گیلویه، نشان می‌دهد که گذرگاه‌های کوهستانی شرقی و شمالی ناحیه مرکزی ارجان، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. در سده‌های پنجم و ششم ه. ق. (دوره سلجوقی)، اسماعیلیان نزاری با بهره‌گیری از همین دژهای کوهستانی مانند قلعه الناظر، قلعه دیرآب و قلعه جلادگان (قلعه چم‌چرو)، و شبکه ارتباطی بین آن‌ها، ضربه نهایی را بر پیکر حاکمیت سیاسی کوره ارجان، وارد کردند و فروپاشی سیاسی - اداری این کوره را پس از چند سده فراز و فرود، رقم زدند.

تقدیر و تشکر

از راهنمایی‌های استادان گرامی، دکتر فرشید ایروانی قدیم، استاد ناصر نوروززاده چگینی، دکتر علی شجاعی اصفهانی، دکتر محمد مرتضایی و دکتر محمدتقی عطایی که نگارندگان را در نوشتن این پژوهش یاری رساندند، و دکتر احمد آزادی و دکتر محمدجواد جعفری که گزارش‌های باستان‌شناختی کهگیلویه و بویراحمد را در اختیار نویسنده نخست این مقاله برای انجام رساله دکتری قرار دادند، سپاسگزاریم.

فهرست منابع و مآخذ

- آزادی، احمد (۱۳۸۷). گزارش فصل اول بررسی‌های باستان‌شناختی کهگیلویه، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- _____ (۱۳۹۱). گزارش فصل چهارم بررسی‌های باستان‌شناختی کهگیلویه، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- آزادی، احمد و دیگران (۱۳۹۷). «نویافته‌های منطقه منصورآباد بهبهان براساس بررسی‌های باستان‌شناسی»، *مطالعات باستانی پارسه*، س ۲، ش ۴.
- آذرنیوشه، عباسعلی و صالحی، کورش (۱۳۹۱). «دهقانان ایرانی در روند گذار از دوره ساسانی به دوره اسلامی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، س ۶، ش ۱۱.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۷۱). *تاریخ کامل اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، جلد ۱۱ و ۱۷، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن بلخی (۱۳۸۵). *فارسنامه*، تصحیح و تحشیه گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن حوقل (۱۳۴۵). *صورة الأرض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، تهران: چاپخانه مهارت.

مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع ... | ۱۰۹

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵). *تاریخ ابن خلدون / مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی نوحدانی، سیروس و النجری چاودرچی، آرزو (۱۳۹۶). «تأثیر شکل هندسی مرز بر امنیت مرزهای غربی ایران»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۳۲، ش ۴.
- ادیسی، محمد بن محمد (۱۳۸۸). *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل و مرتضایی، محمد (۱۳۹۱). «بازشناسی جایگاه بندر باستانی مهروبان در خلیج فارس و گاه‌نگاری اولیه آن بر پایه کاوش‌های باستان‌شناختی و مطالعات متون نوشتاری»، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، س ۴، ش ۲.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۵). *آثار شهرهای باستانی سواحل و نواحی خلیج فارس و دریای عمان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امیری، شهرام (۱۳۸۷). «دهقانان و فتوح اسلامی» *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۴، ش ۷.
- امینی کاشانی، الهام و رودگر، قنبرعلی (۱۳۹۳). «جایگاه کوره در نظام تقسیمات جغرافیایی - اداری مسلمانان تا سده هفتم هجری قمری» *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، س ۶، ش ۲۱.
- بحرانی‌پور، علی (۱۳۹۱). «مطالعه دامنه مکانی و زمانی تجارت چینی آلات بندر مهروبان»، *تاریخ ایران*، س ۵، ش ۶۹.
- پازوکی، ناصر (۱۳۷۶). *استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- توفیقیان، حسین (۱۳۸۷). *گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان بویراحمد*، یاسوج: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- جعفری، محمدجواد (۱۳۸۷). *گزارش فصل اول بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان دنا*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- جیهانی، ابوالقاسم احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمه عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروزمنصوری، تهران: شرکت به‌نشر، آستان قدس رضوی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*، ج ۱، تحقیق و تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.

- حسینی فسائی، سیدحسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگارفسائی، تهران: امیرکبیر.
- حسینی منشی، محمدمیرک (۱۳۸۵). *ریاض الفردوس خانی*، تصحیح ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار یزدی.
- حمزه اصفهانی (۱۳۶۴). *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خراسانی فدایی، محمدبن زین‌العابدین (۱۳۷۳). *تاریخ اسماعیلیه (هدایه المومنین الطالبین)*، به تصحیح و اهتمام الکساندر سیمونوف، تهران: انتشارات اساطیر.
- دارک، کن آر (۱۳۷۹). *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دومورینی، گوستاو (۱۳۹۰). *عشایر فارس*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دینوری، احمد (۱۳۸۳). *الاخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی.
- رایگانی، ابراهیم (۱۳۹۴). *بررسی اقتصاد کشاورزی منطقه ارجان در دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی*، رساله دکتری باستان‌شناسی گرایش تاریخی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رایگانی، ابراهیم و تقوی، عابد (۱۳۹۳). «تحلیل عدم به کارگیری منطقی مولفه‌های دفاع غیرعامل در فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار» *مجله مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، س ۴، ش ۱۵.
- رایگانی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۴). «واکاوی عوامل موثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی» *مجله تاریخ اسلام و ایران*، س ۲۵، ش ۱۱۸.
- رایگانی، ابراهیم و سپیدنامه، حسین (۱۳۹۴). «مطالعه باستان‌شناختی و معماری قلعه‌ی دیشموک کهگیلویه و پیشنهادی برای گاهنگاری آن»، *مجموعه مقالات چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۱). *جامع‌التواریخ*: قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس‌ی (زنجان)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ریویز، کلود (۱۳۷۹). *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶). «عوامل ژئوپولیتیک‌ی موثر بر نقش و کارکرد مرزها با تاکید بر مرزهای ایران»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، س ۳، ش ۲.

مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع ... | ۱۱۱

- زرکوب شیرازی، احمد بن ابی‌الخیر (۱۳۹۰). شیرازنامه، به تصحیح اکبر نحوی، شیراز: مؤسسه دانشنامه فارس.
- سپیدنامه، حسین (۱۳۹۷). «پژوهشی باستان‌شناختی بر مکان‌یابی، تکوین و نابودی شهر زیز»، مجله تحقیقات جغرافیایی، س ۹، ش ۱۳۱.
- سپیدنامه، حسین و دیگران (۱۳۹۶). «پایگاه فرهنگی قلعه حص و کنشت مجوسان در سده‌های نخستین اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، س ۵۳، ش ۳۴.
- _____ (۱۳۹۵). «پژوهشی مقدماتی بر سیمای اقتصادی کهگیلویه و بویراحمد در دوران اسلامی براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی»، مجله پیام باستان‌شناسی، س ۱۲، ش ۲۳.
- سورتیجی، سامان (۱۳۸۲). قلاع باستانی مازندران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سیاهپور، کشواد (۱۳۹۱). «خاندان گیلویه و نقش سیاسی - اجتماعی آنان در عصر عباسیان»، مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۱، ش ۲.
- _____ (۱۳۸۹). «نقش سیاسی - نظامی کردان فارس و خوزستان در دوره فتوح اسلامی»، مجله تاریخ ایران، س ۳، ش ۶۷۵.
- سیدیزدی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۷). «نقش قومس در دولت اسماعیلیه نزاری ایران»، مجله تاریخ‌های محلی ایران، س ۶، ش ۱۲.
- صالحی‌کاخکی، احمد و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی راههای برون منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد در دوران اسلامی»، مجله اثر، س ۳۳، ش ۵۹.
- طاووسی، محمود و میرزایی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). «دهقانان در دوره انتقال»، مجله مطالعات ایرانی، س ۳، ش ۶.
- طاهری، عطا (۱۳۶۵). «از ارجان تا لردگان (لردغون)»، مجله آینده، س ۱۲، ش ۸ و ۷.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عزتی، عزت (۱۳۶۴). سیاست‌های جغرافیایی خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشکده افسری.
- عسکری‌چاوردی، علیرضا (۱۳۹۲). پژوهش‌های باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس، تهران: سبحان نور
- عطایی، محمدتقی و زارع، شهرام (۱۳۹۷). «گزارش برنامه مطالعات باستان‌شناسی سد چم‌شیر»، مجموعه مقالات شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- علمداری، کوروش (۱۳۸۸). گزارش فصل دوم بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بویراحماد، یاسوج: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- گاوپه، هانیس (۱۳۵۹). *ارجان و کوه گیلویه*، ترجمه سعید فرهودی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- لباف‌خانیک، میثم (۱۳۸۵). «باستان‌شناسی زمین‌سیما»، *باستان‌شناسی و مطالعات میان-رشته‌ای*، س ۲، شماره ۴.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهه‌القلوب*، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*، جلد ۱ و ۲، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۱). *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- ناصر خسرو (۱۳۵۴). *سفرنامه ناصرین خسرو قبادیانی*، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: چاپخانه سپهر با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
- ویلی، پیتر (۱۳۸۶). *آشیانه عقاب: قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز.
- یاقوت حموی (۱۳۸۰). *معجم‌البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یغمایی، احسان (۱۳۸۷). گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی شهرستان گچساران، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- Harrison, John Vernon. (1936). "Kuhgilu: South-West Iran", *The Geographical Journal*, year 143, Vol. 88, No. 1. pp. 20-36.
- Huff. Ditrich (1987). "Architecture II .Sassanian Period", year 11, Iran. Vol II, pp. 192-194.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 4, Issue 1, No.11, Spring 2020

An Analysis of the Forming Factors, Function, and Significance of Castles and Fortresses of Koureh Arrajan from Early Islam to the End of Seljuq Dynasty

**Hossein Sepidnameh; *Ahmad Salehi Kakhaki; **
Hashem Hosseini; *** Ebrahim Raigani ******

Abstract

The strategic position of *Koureh Arrajan* located in South-Western Iran during the Sassanian Dynasty until the end of Seljuq Dynasty led to the establishment of many castles in the region. This study chiefly aims at analyzing the historical castles of Koureh Arrajan in order to shed light on their status and roles in the political-administrative geology, factors effective in their formation and spread, as well as realizing the location of geopolitical and geo-strategic passages and zones of the region. This study is founded on the hypothesis that given the geographical position of Koureh Arrajan and its association with Persian Gulf's seaports and the governmental centers of Fars and Isfahan, the region enjoyed a coherent system of castles and fortresses. The results of this descriptive-analytical study were obtained using historical sources and archeological field research. Location analysis of the spread of the castles show that connecting straits, natural *gerdkuhs*, mountain valleys, and the region's mounds have had a considerable effect on their location-allocation. The multi-functionality of the fortifications of this *koureh* has manifested itself in various aspects such as protecting the

* PhD Student, Department of Archeology, Isfahan University of Art; Email: h_sapid@yahoo.com

** Corresponding Author: Associate Professor, Department of Archeology, Isfahan University of Art; Email: salehi.k.a@au.ac.ir

***Associate Professor, Department of Archeology, Isfahan University of Art; Email: h.hoseini@au.ac.ir

****Assistant Professor, Department of Archeology, Isfahan University of Art; Email: Raigani.khalefe@gmail.com

| Received: November 15, 2019; Accepted: April 15, 2020|

environmental resources, agriculture-related structures, protecting centers of population, and communication paths. Studying these forts is highly important in explicating critical issues such as appreciating the network of Isma'ili castles.

Keywords: Koureh Arrajan, Mount Gilouyeh, administrative geography, fortifications, Isma'ilism.